



کارگران جهان متحد شوید !

لغو قراردادهای موقت و حذف

پیمانکاران خواست مشترک

زحمتکشان

خواست لغو قراردادهای موقت و حذف پیمانکاری ها (شرکت های پیمانکاری که کارشان اجاره دادن نیروی کار و یا اجرای پروژه های مختلف صنعتی و خدماتی و آموزشی است که بصورت دست دوم و سوم برعهده می گیرند.) سالها است که به یکی از مطالبات محوری کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است.

همه شمول بودن این خواست ها در میان کارگران و زحمتکشان از آنجا ناشی می شود که با گسترش اجرای سیاست های نئولیبرالی و همزمان با گسترش دامنه خصوصی سازی ها، مقررات زدائی از نیروی کار و ارزان سازی نیروی کار نیز در دستور قرار گرفت. تا شرکت ها و کارفرمایان با دست باز به تشدید استثمار و بهره کشی از نیروی کار مبادرت ورزند .

تحت عنوان "مقررات زدائی" از نیروی کار تا کنون میلیونها کارگر از شمول قانون کار خارج شده اند یعنی کارفرماها فعال مایشاء هستند و به هر طریق که خود می خواهند دستمزد تعیین میکنند. تعهد نامه هایی که به قراردادهای سفید امضاء معروف است، از کارگر می گیرند و این برگه های سفید امضاء را همچون شمشیر داموکلس بالای سرکارگران نگه میدارند تا کارگران جرات درخواست افزایش دستمزد، تامین بهداشت و ایمنی محیط کار، حق بیمه ، بازنشستگی و سایر مزایایی که در قوانین کار تدوین شده توسط خود رژیم در نظر گرفته شده است را نیز، نداشته باشند، حقوق و دستمزد این کارگران اغلب با ماه ها تاخیر پرداخت میشود .

ادامه در صفحه

اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم یعنی نیروی عظیم کار و زحمت بر مبنای مصالح و منافع طبقاتی صرف نظر از مرام، عقیده، ملیت، مذهب و غیره در برابر نیروی سرمایه، از ملزومات تشکل یابی صفوف کارگران و زحمتکشان و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و پیروزی جبهه کار و زحمت بر ارتجاع طبقاتی است.

برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی، اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.

• اعدام تجاوز به حقوق انسانی است

• پرسش و پاسخ درباره کنگره هفتم سازمان و مصوبات آن

• مسکن، نیاز اولیه هر انسان است نه یک کالای سرمایه‌ای

• تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمان آلمان در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !

لغو قراردادهای موقت و حذف پیمانکاران خواست مشترک زحمتکشان

یدی شیشوانی

ی است که پیشینیان او و کل حاکمیت در پی اجرای آن هستند. از جمله برنامه های ضد کارگری و ضد مردمی کابینه وی ادامه سیاست ارزان سازی دستمزد این بار با طرح حذف تعیین حد اقل دستمزد و حذف پرداخت سهم بیمه توسط کارفرمایان است که با ادعای عوامفریبانه ایجاد 5 میلیون شغل در چهار سال در دستور قرار گرفته است. علاوه بر آن "تدوین قانون کار استان محور" جایگزینی "مزدتوافقی" و "مزد منطقه ای و استانی" و نیز ادغام تامین اجتماعی در سازمان امور مالیاتی، حذف قانون بیمه کردن کارگران. کارکنان شرکت ها از جمله مواردی هستند که تحت عنوان اشتغال زائی جزئی از برنامه های او هستند و نشان میدهد که تعرض بی رحمانه به سطح معیشت و زندگی توده های کار و زحمت در دوره ای که تیم رئیسی به کارگمارده شده است نیز ادامه خواهد یافت و این انتظار که خواست لغو قراردادهای موقت و حذف پیمانکارها با مبارزات پراکنده قابل تحقق خواهد بود با واقعیت ها نمیخواند هرچند که این مطالبات و مبارزه برای تحقق آن در هر واحد و سطحی که بوده باشد باید از آن

ارزان سازی نیروی کار و مقررات زدائی از آن است که کارفرما را از پرداخت بیمه سنوات، حق اولاد، مسکن و غیره و غیره که کارگران طی مدت طولانی مبارزه بدست آورده بودند معاف میکند. گسترش این روش به عرصه های مختلف تولید و توزیع خدمات و تاثیرات ویرانگر آن بر نیروی کار و زحمت، به اعتراضات گسترده در بخش های مختلف حوزه های اقتصادی، صنعتی و آموزشی و خدماتی منجر شده است. با وجود این طبقه حاکم با اتکا به قدرت سیاسی مذهبی و سرکوبگر با خشن ترین وجهی به سیاست های ضد مردمی خود ادامه میدهد.

پاسخ طبقه حاکم و دولت منتخب خامنه ای

ابراهیم رئیسی، جنایتکاری که دست اش به خون هزاران زندانی سیاسی آغشته است قبل از برگماری به ریاست جمهوری اسلامی عوامفریبانه مدعی برقراری عدالت و ایجاد اشتغال و رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی بود درحالیکه خود مجری سرسخت و بی رحم همان سیاستهای اقتصادی ویرانگر

ادامه از صفحه اول
... قراردادهای موقت نیز که لغو آنها یکی دیگر از مطالبات عمده نیروی کار است روش دیگر تشدید استثمار و بی حقوقی کارگران است که توسط دولت و سرمایه داران به کارگران تحمیل و به روشی معمول و جاری تبدیل شده است. کارفرماها بویژه شرکت های واسطه که کارشان اجاره دادن نیروی کار به شرکت های طرف قرارداد اصلی است از طریق بستن قراردادهای موقت با مدت زمان معینی که معمولاً از سه ماه بیشتر نیست کارگران را به کارمیگیرند. بدین ترتیب اولاً کارگر را از تامین شغلی بطور کلی معاف میکنند یعنی نمیتواند حتی فکر بکند که دارای شغل ثابت و ادامه داری است چون کارفرما بعد از انقضای مدت میتواند قرارداد را تمدید نکند و یا نکند و کارگر مجبور به پذیرش تصمیم کارفرما است و برای اینکه قرارداداش بعد از انقضای مدت تمدید شوند ناچار است به تشدید استثمار و به هر نوع بی حقوق دیگر تن دردهد. درثانی از حقوق و مزایای معمولی نظیر حق سنوات، بیمه و غیره نیز محروم شود و حق اعتراض ندارد. قراردادهای موقت در راستای همان سیاست کلی

اعدام تجاوز به حقوق انسانی است

اعدام به هر دلیلی که توجیه شود انکار پایه ای ترین حق انسانی است و نقض مهم‌ترین اصل قانون حقوق بشر، که مورد قبول بسیاری از کشورهای دنیا هم قرار گرفته، است. اگرچه، به یمن جنبش‌های علیه اعدام، بسیاری از دولتهای دنیای سرمایه داری مجازات مرگ را لغو کرده اند ولی در عین حال، با رژیم‌هایی که هر روزه، نه فقط بزهکاران بلکه زندانیان سیاسی، اقلیتهای ملی و مذهبی، و کودکان را هم سیستماتیک به جوخه‌های اعدام میسپارد، مدارا میکنند و به آنها مشروعیت بخشیده است.

در حال حاضر فقط 23 کشور در دنیا زندانیانش را مشمول مجازات مرگ میکنند و ایران یکی از معدود کشورهایی است که درصد بالایی از اعدامها در آن هر ساله صورت میگیرد. در ایران و دیگر کشورهای دیکتاتور زده و مرتجع، همواره از اعدام بعنوان ابزار سرکوب سیاسی و مرعوب کردن توده‌های ناراضی استفاده شده است. سیستم سرمایه داری اساسا اعدام و زندان را برای ایجاد وحشت و ترس در جامعه بوجود آورده است و مشکلی ندارند از اینکه کشورهایی همچون ایران از آن برای ایجاد انضباط طبقاتی و اطاعت سیاسی استفاده کنند مادامی که چرخه سودآوری اش مختل نگردد.

در ایران انکار حق زیستن همواره با نفی حقوق دیگری که توأم با در پروسه اجرای اعدام اتفاق میافتد، همراه بوده است، از جمله: فرض بر بیگناهی، برخورداری از مشاوره و وکیل اختیاری، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت اعتراف اجباری و کلا امکان یک محاکمه منصفانه و علانیه. وابستگی تمام نهادهای اجتماعی به دستگاه سیاسی-مذهبی به رژیم ارتجاعی در قدرت، نه تنها این حقوق را غیرممکن میسازد بلکه خود در خدمت مستقیم مصلحت‌های سیاسی رژیم برنامه ریزی شده اند.

مبارزه برای لغو اعدام، مبارزه برای حق زیستن است و حق زیستن برای هر انسانی، حق مبارزه برای نان، مسکن، رفاه، کار، عدالت اجتماعی و برابری هم هست. اعدام فعالین این جنبشها، اقدام تبهکارانه رژیمهای مستبد است جهت خلع سلاح کردن جنبشهای حق طلبانه توده‌ها و ایجاد ترس برای شورشهای احتمالی و پتانسیلی آینده. حتی در مورد جرائم بزهکاری هم، سیستم در قدرت در راس تمامی جرائم و جنایاتی قرار دارد که به مراتب، بسیار وسیعتر و خطرناکتر است. در واقع جرمی بالاتر از این نیست که تمام دم و دستگاه قضایی، انتظامی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی را طوری قانونمند کنند که به خشونت طبقه در قدرت جواز عبور داده و هر آنکه جرمی بمراتب سبکتر از آن انجام داده مشمول مجازات و بویژه مرگ کنند.

اگر ما قبول میکنیم انکار حق حیات و پاره کردن رشته زندگی فرد و یا انسانهایی جرم و خشونت علیه انسانیت است، سرمایه داری در تاریخ حیاتش در اشکال و ابعاد مختلف جنایات بسیاری مرتکب شده است که در بخش اعظم این اعمال از عقوبت و دادخواهی در رفته است.

ما با تمام قوانین و ضوابطی که حق حیات را به هر شکلی نقض می کنند بشدت مخالفیم و با تمام قوا برای از بین بردن و لغو این قوانین ضد بشری همچنان مبارزه خواهیم کرد. سیستمی که انسان را قابل تحقیر می بیند و مثل کالایی آنان را میخرد، میفروشد و دور می اندازد قادر نیست زنجیره جرم و جنایت را پاره کند. پایان دادن به این خشونت نیازمند خشکاندن ریشه های جرم است. فقط در این صورت است که عدالتی را خواهیم دید که به نیازهای انسانی پاسخ میدهد نه منافع و امتیازات اقلیتی معدود.

وظیفه پیش روی ما بسیج میلیونها انسان آزادیخواه حول این حق پایه ای و انسانی برای لغو اعدام است.

پشتیبانی کرد اما نباید فراموش کرد که مبارزه برای حذف پیمانکاری ها، واسطه ها و حذف قراردادهای موقت بدون مبارزه گسترده و متحد کارگران و دیگر زحمتکشان بر علیه سیاستها و طرح های تعرضی طبقه حاکم دردیگر عرصه ها با موفقیت توأم نخواهد شد.

هرچند فشار مبارزات کارگران ممکن است در این و یا آن مقطع و در این و یا آن محل کار منجر به پیروزی گردد که خود گامی است به جلو، معهدا موفقیت در این عرصه نیازمند گسترش مبارزه و اتحاد و هماهنگی خواست ها و مطالبات و سازماندهی اعتصابات و اعتراضات همبسته است که میتواند توازن قوا را به نفع نیروی کار و زحمت تغییر دهد. واقعیت دیگر این است که این فقط کارگران پیمانی نفت و یا پروژه ای و کارگاه ها و مراکز کاری متوسط و کوچک نیستند که خواستار حذف دلالتان و واسطه ها و حذف قراردادهای موقت، افزایش دستمزد ها، پرداخت حقوق های معوقه، تامین اجتماعی همه شمول و بهداشت و ایمنی محیط کار و غیره میباشند بلکه این خواست ها و مطالبات در عرصه های گسترده مراکز کارگری، معلمان، بازنشستگان، خدمات، بهداشت و درمان، حمل و نقل، معادن و کشاورزی را دربرمیگیرند. گستره چنین مطالباتی برغم تنوع آن ضرورت پیوند و اتحاد و هماهنگی سراسری کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه تعرضات دولت و سرمایه داران و برای تحقق مطالبات شان را ضروری میسازد.

یدی شیشوانی

پرسش و پاسخ درباره کنگره هفتم سازمان و مصوبات آن

تا همه اعضا در داخل و خارج کشور در کنگره نمایندگی شوند و طرح‌ها و پیشنهادات و نظرات خود را مطرح سازند و تصمیم بگیرند و علاوه بر آن از طریق انتشار تمامی نظرات در نشریه کار کمونیستی و برگزاری کنفرانسهای علنی دیگر علاقمندان را نیز در این مباحث شریک کند.

همانطور که در گزارش پایانی کنگره آمده است ابتدا برای تعیین الویت‌ها نقطه نظرات، پیشنهادات در جلسات درونی به بحث گذاشته شدند و بعد از آن قطعنامه‌ها و پیشنهادات ارائه شده بعد از بحث و اصلاح در جلسات درونی انتشار بیرونی یافتند و یا در سمینارهای بیرونی مطرح شدند و سپس با توجه به نظرات و انتقادات ارائه شده بار دیگر در جلسات درونی به بحث گذاشته شدند تا آخرین اصلاحات وارد شده و بعنوان پیشنویس قطعنامه‌ها و یا پیشنهادات انتشار علنی یافته و در نهایت به کنگره ارائه شوند. و در این زمینه گزارش نسبتاً کاملی در اطلاعیه پایانی کنگره منتشر شده است.

کار: رفیق یدی کلا چند قطعنامه و یا پیشنهاد در کنگره بتصویب رسید و بنظر شما کدام یک از تصمیمات اتخاذ شده نسبت به وضعیت کنونی جنبش کارگری و توده‌ای اهمیت بیشتری دارد؟

یدی: قطعنامه‌ها و پیشنهاداتی که در کنگره به تصویب رسیدند بقرار زیر هستند البته قطعنامه و پیشنهاداتی هم بودند که تصویب نشدند که در گزارش مربوطه آمده است.

قطعنامه کنگره هفتم در تشریح مواضع سازمان

دیالکتیکی این دو نظر دارم ولی این واقعیتی غیر قابل کتمان است که شرکت در امری مشترک که برنامه و هدفی را دنبال میکند و یا قرار است سیاست گذاری بکند، اعضای آن سازمان و یا هر جمع چه مستقیم و چه از طریق میانجی بدون آگاهی لازم به امری صوری تبدیل میشود و میدان برای عوامفریبی و خود فریبی باز میشود.

از این رو نحوه تدارک برگزاری کنگره‌ها، مجامع عمومی و همه پرس‌ها اهمیت شایانی دارد و روش تدارک و برگزاری اینگونه همه پرس‌ها نشان دهنده این است که چقدر میتوان اطمینان حاصل کرد که مصوبات و تصمیمات آن مجمع بر آگاهی و اراده جمع استوار است. البته نباید فراموش کرد که ما همچون یک سازمان با یک امر واقع و محدودیت‌های مترتب بر آن از نقطه نظر تاریخی و آگاهی طبقاتی مواجه هستیم و کمیت و کیفیت هم در اینجا نقش بازی میکند که خواهی نخواهی صرفاً بانیات خیر ما و مکانیزم‌ها و روش‌های پیش بینی شده راه حل قطعی نماید از این نقطه نظر است که در کنار روش‌های تامین کننده دموکراسی در مناسبات اما همواره نقد و اصلاح باید به یک روش هم در اندیشه و هم در عمل تبدیل شود.

از این زاویه اگر نگاه بکنیم سازمان فدائیان کمونیست از بدو بنیان گذاری خود تلاش کرده است علاوه بر متکی شدن به اراده اعضا مباحث پیش کنگره را از ابتدا تا آنها منتشر کند و یا از طریق وسائل ارتباط جمعی به نقد و نظرخواهی بگذارد و هر بار هم سعی شده است این کار بهتر از قبل انجام گیرد. تدارک کنگره هفتم سازمان برغم همه محدودیت‌هایی که در بالا به شمه‌ای از آنها اشاره کردم با درنظر گرفتن کمیت و کیفیت ما نسبتاً خوب تدارک شده بود. گروه تدارک کنگره تمام تلاش و کوشش لازم را کرد

کنگره هفتم سازمان با موفقیت به کار خود پایان داد و مصوبات و گزارش آن در ویژه نامه نشریه کار کمونیستی منتشر شده اند. برای اطلاع بیشتر خوانندگان نشریه گفتگوهای خواهیم داشت با برخی از رفقای شرکت کننده در اجلاس کنگره در این شماره گفتگوئی داریم با رفیق یدی شیشوانی

نشریه کار: رفیق یدی ضمن خوش آمدگویی به شما ابتدا از تدارک کنگره آغاز میکنیم.

بعنوان یکی از شرکت کنندگان در اجلاس کنگره هفتم، آیا از نحوه تدارک کنگره راضی هستید؟

یدی: بنظر من کنگره عالی ترین ارگان یک سازمان و یا حزب محسوب میشود یعنی در مقام مجمع نمایندگان اعضا عمل میکنند و دارای اختیار کامل است. بنابراین در تدارک و تصمیم گیریهای پیش کنگره باید مکانیزم و روشی بکار گرفته شود که آرا و نظرات واقعی اعضا در کنگره منعکس و نمایندگی شود. البته کارکرد کنگره با همه پرس‌ها و فرآیند که با رای مستقیم تک تک اعضا میسر است، تفاوت دارد. می دانیم که با اتکاء به سیستم نمایندگی کافی نیست که بگوئیم دموکراسی کامل و بی عیب و نقص اجرا میشود. چرا که کارکرد دموکراسی با آزادی و آگاهی ربط مستقیم دارد. بحث قدیمی فیلسوفان یونان باستان درباره اینکه دموکراسی باید اول باشد بعد آگاهی در آن چهارچوب ارتقا یابد، یا برعکس، اینجا مورد بحث من نیست من به رابطه

درباره ضرورت وحدت های حزبی و جبهه ای

قطعنامه درباره شرایط مشخص کنونی و مبارزات طبقه کارگر، خطرات پیش روی و وظائف ما

قطعنامه پیشنهادی گروه تدارک کنگره هفتم درباره تشدید ستم و تبعیض مضاعف جنسی و جنسیتی در جامعه

قطعنامه پیشنهادی رفقا فوژان و مسعود در باب مساله زنان

قطعنامه پیشنهادی روابط بین المللی سازمان

قطعنامه در باره بحران زیست بومی در ایران

تشکیل کمیسیون مطالعه و پژوهش

تصحیح بند برنامه درباره محیط زیست تا آنجا که یادم هست اینها از جمله تصمیمات اصلی و مهمی بودند که بصورت قطعنامه و یا پیشنهاد به کنگره ارائه شده بودند و مورد تصویب قرار گرفتند.

اما اینکه کدام یک دارای اهمیت بیشتری است و راهگشای شرکت موثر و عملی ما در مبارزه طبقاتی خواهد بود و در افزوده ای برای تجربیات نظری و عملی جنبش کارگری و کمونیستی است راست اش من نمیتوانم نظر قطعی داشته باشم اولاً همه این قطعنامه ها و مصوبات حقیقتاً با فکر و مطالعه و بحث و مجادله تنظیم شده اند و

معطوف به تحلیل مشخص از شرایط مشخص هستند حداقل از نقطه نظر ما و در چهارچوب افکار، اندیشه ها و مطالعات و تجربیات مان همه این مصوبات دارای اهمیت هستند و بقیه ماجرا مربوط میشود به محک تجربه و عمل. و این عمل است که نشان میدهد کدام یک از تصمیمات مبتنی بر تحلیل درست از شرایط مشخص بوده است و یا نه تخیلی و خیالبافانه بوده است. و گرنه انقلابی ترین و علمی ترین

تصمیمات و دقیق ترین تنصیبات و مواضع اگر وارد عرصه عمل نشوند نه تنها درستی و نادرستی آن معلوم نمیشود بلکه به دگمی بدل میشود که مانع رشد و تکامل پدیده مزبور در شکل سازمان و یا حزب خواهد بود و فکر و اندیشه و کنشگری به حاشیه خواهد رفت به امید روزگاری که سرانجام دستی از غیب درآید و چنین خیالاتی جامه عمل بپوشد، به بایگانی سپرده خواهد شد.

به هر حال بنظر من همه تصمیمات کنگره هفتم ما هم بلحاظ نظری و هم عملی مهم و اهمیت دارند متاسفانه در چهارچوب این پرسش و پاسخ فرصت پرداختن به این مصوبات نیست امیدوارم در فرصت های آینده بوسیله من و سایر رفقا مضمون هر کدام از این قطعنامه ها و تصمیمات باز و تشریح بشوند.

نشریه کار: در کنگره هفتم سازمان تصمیماتی اتخاذ شده است که تا حدودی جدید هستند مثل تشکیل کمیسیون مطالعه و پژوهش و یا قطعنامه درباره محیط زیست برغم اینکه چنین بندی در برنامه سازمان هست در این باره چه توضیحی دارید؟

یدی: همانطور که گفتید سازمان از بدو تاسیس به مسئله تخریب محیط زیست و خطرات آن اهمیت در خور قائل بوده و برای همین هم بعنوان بندی از برنامه سازمان از همان ابتدا در دستور مبارزات سازمان قرار گرفته است اما نباید پنهان داشت که سی چهل سال قبل خطر تخریب محیط زیست و ضرورت مبارزه علیه آن در میان طیف گسترده سازمان های سیاسی یا محلی از اعراب نداشت و یا

اینکه اهمیت لازم به آن داده نمیشد اما هم ابعاد فاجعه بار تخریب محیط زیست و هم مبارزات گسترده در سرتاسر جهان و هم ارتباط لاینفک آن با مبارزه کار علیه سرمایه، مبارزه در این عرصه را به امری حیاتی برای کارگران و کمونیست ها تبدیل کرده است. لازم بود سازمان هم با تحلیل مشخص به مواضع خویش در این باره صراحت بیشتری داده و برای تحقق آن نقشه عمل معینی داشته باشد. لازم به یاد آوری است که برای تصمیم درست در این مورد در جریان تدارک کنگره چندین سمینار و بحث و سخنرانی گذاشته شد که در آن متخصصین امر شرکت داشتند و از ابعاد گوناگون به تجزیه و تحلیل این مسئله پرداخته و راه حل های خود را ارائه دادند. بنابراین قطعنامه که در کنگره تصویب شده است، لابد بند برنامه ای سازمان نیز تکمیل تر خواهد شد. همانطور که گفتیم بر اساس روال تصمیمات کنگره های سازمان این تصمیم هم با تحلیل مفصل جوانب مختلف مسئله محیط زیست اتخاذ شده است و بر یک تحلیل مشخص از شرایط امروز جامعه استوار است.

و اما در مورد تاسیس ارگان جدید تحت نام "کمیسیون مطالعه و پژوهش

در این زمینه نیاز به بحث و گفتگوی بیشتری است که ابعاد و کارکرد آن باز شکافته شود و چرایی ضرورت این مصوبه مستدل شود که مسلماً در حوصله این گفتگو نمی گنجد. اما بطور خلاصه و اشاره وار میتوانم بگویم که این مصوبه اتفاقاً یکی از مصوبات بسیار مهم، راه گشا و قدمی به پیش از سوی فدائیان کمونیست است که اغلب به این ابتکارات

مسکن، نیاز اولیه هر انسان است نه یک کالای سرمایه‌ای

آرش



تشدید استثمار و بهره‌کشی، همراه با پایین بودن سطح دستمزدها در شرایط رشد سرسام آور نرخ تورم، گرانی، بیکاری، فقدان مسکن و وخامت بهداشت و درمان تنها گوشه‌ای از معضلاتی است که توده‌های کار و زحمت ایران، در شرایط سرکوب هرگونه صدای آزادیخواهی، با آنها مواجه‌اند و شکاف عظیمی بین هزینه‌های زندگی و سطح دستمزد کارگران وجود آورده است بطوریکه بسیاری از کارگران و زحمتکشان از تامین حداقل معیشت و ابتدای ترین نیازهای زندگی عاجزند.

در میان تمامی این مشکلات، مشکل مسکن و سرپناه کارگران و زحمتکشان که از جمله نیازهای اولیه هر انسانی است، از جمله معضلاتی است که همانند تمامی مشکلات و مصائب توده‌های مردم در ایران جمهوری اسلامی زده مضاعف شده است و رژیم در این عرصه نیز مانند همه‌ی سطوح رکورد زده، بطوریکه ایران دارای بالاترین نسبت هزینه‌ی مسکن به درآمد خانوارها در جهان یا به عبارتی دیگر دارای پایین‌ترین میزان توانای خرید مسکن توسط مردم در جهان است. دیگر نه تهیه مسکن بلکه داشتن حداقل سرپناه نیز برای بخش وسیعی از توده‌های مردم، اقشار متوسط و کم درآمد جامعه میسر نیست.

با توجه به این که آمار در ایران امنیتی است و همیشه آمار پایین‌تر از واقعیت‌ها منتشر

و به بهانه‌های وااهی از جمله "ساخت و ساز غیرمجاز"، "نوسازی بافت‌های فرسوده" و ... گله‌های چماقدار خود را برای تخریب به حاشیه‌های شهرها گسیل می‌کند تا ضمن سلب مالکیت از تهیدستان و آزادسازی زمین به نفع بورژوازی مستغلات، تسریع در روند کالایی‌سازی مسکن و زمین‌خواری و اعیانی‌سازی شهرها توسط بورژوازی مستغلات را نیز تضمین کنند.

بنابر آمار موجود و گفته‌های خودی‌ها و کارگزاران رژیم تهیه مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان هر روز دست‌نایفتنی‌تر و به رویا تبدیل شده است، بطور نمونه به گفته عبدالجلال ایری سخنگوی کمیسیون عمران مجلس رژیم:

"گزارش بانک مرکزی متوسط قیمت هر متر مربع خرید خانه در تهران ۳۰ میلیون و ۹۷۰ هزار تومان بوده و خرید یک خانه ۷۵ متری حدوداً دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان در تهران خواهد بود، لذا با درآمد کنونی اقشار متوسط جامعه و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی، خانه‌دار شدن به رویا تبدیل شده است"، ایشان همچنان وی یادآور می‌شود که:

میشود، اما همین آمار منتشر شده در روزنامه‌های حکومتی و سایت‌های اینترنتی وابسته به خود رژیم در خصوص وضعیت مسکن، حکایت از عمق فاجعه می‌کند، فاجعه‌ای که خانواده‌های بدون مسکن و سرپناه را به بیغوله‌هایی سوق داده که به زباله‌دانی بیشتر شبیه‌اند تا اماکن مسکونی.

بنابر آمار منتشر شده، در شهریور ۱۴۰۰ میانگین قیمت هر متر مسکن در شهر تهران به رقم ۳۱،۷ میلیون تومان رسید. این درحالی است که قیمت یک متر مسکن در شهریور ۹۹ نزدیک به ۴،۷ میلیون تومان بوده است. اجاره بها در تابستان ۱۴۰۰ نسبت به سال قبل بین ۵۰ تا ۱۵۰ درصد رشد داشته است و موجب نابودی خانواده‌ها و افزایش حاشیه‌نشینی و فقر مطلق شده است.

بگفته کارگزاران رژیم فقط در تهران ۳۱ درصد "مردم در سکونتگاه‌های غیررسمی، مناطق حاشیه‌ای شهرها و بافت‌های «ناکارآمد» زندگی می‌کنند."

با این حال رژیم جمهوری اسلامی سرپناه‌های محقر توده‌های محروم را که به هر چیز شباهت دارند جز مسکن به آنان روا نمی‌داند

مسکن مشکل توده عظیم کارگران و زحمتکشان، معلمان، دانشجویان و در کل اقشار کم درآمد و به حاشیه رانده شده جامعه است که چرخ های اقتصاد برگردان آنان می چرخد اما از ثمره کار خود بهره ای نمی گیرند، در مقابل سرمایه داران و غارتگران و مافیای قدرت و ثروت، ثروت بیشتری می اندوزند و هر روز مخارج هنگفتی صرف ساختن کاخ های مجلل برای خود و امارات و ساختمان هائی میکنند که محل استقرار نیروهای سرکوبگر و ارگان های بوروکراتیک شان هستند.

حل مشکل مسکن، مثل بقیه مسائل و مشکلات اجتماعی که دامنگیر کارگران و زحمتکشان است، تنها با تشدید مبارزه علیه تعرضات رژیم و سرنگونی انقلابی آن امکانپذیر است. تنها سیستمی قادر است در جهت حل مشکل مسکن کارگران و زحمتکشان گام بردارد که جوشیده از درون خود توده ها و متکی به اراده انقلابی آنان باشد و این میسر نخواهد شد جز وحدت و تشکیلات که یگانه ابزار توانای مبارزات کارگران و زحمتکشان است.

آرش - مهر ماه ۱۴۰۰

آری سیاست های ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از ابتدای به قدرت خیزدنش از دادن وعده مسکن، آب و برق مجانی تا به امروز و در هر سیزده دولت که تمامی آنها نیز حل مشکل مسکن یکی از وعده های "انتخاباتی" شان بوده، که آخرین آنها رئیسی جلاد با وعده یک میلیون واحد مسکونی در سال بود، همراه با سیاست های تعدیل اقتصادی و وانهادن تأمین اجتماعی، رهاسازی بازار به سود سرمایه داران زالو صفت و برآمدن سوداگران و تبدیل شدن مسکن به یک کالای سرمایه ای بشدت سودآور، بر خیل جمعیت بی سرپناه، بد مسکن و فاقد مسکن افزوده و به ظهور پدیده های مانند کارتن خوابی، گور خوابی، پشت بام خوابی، یخچال خوابی، جوب خوابی، چادرخوابی، پل خوابی، کانیکس خوابی و ... انجامیده و دیگر این عبارت و پدیده ها، واژه های غریب و نا آشنای در جامعه ایران نیستند چرا که هم اکنون هزاران کارگر اخراج شده و ارتش چند میلیونی بیکاران که راهی برای گذراندن زندگی و سرپناهی برای ماندن ندارند همراه با خانواده هایشان در چنین شرایطی روزگار می گذارند.

ترکیب جمعیت بی خانمان ها و بی سرپناه هان بیانگر این واقعیت است که مشکل

" معاون وزارت راه با حضور در جلسه گذشته کمیسیون عمران، گزارشی از دوره انتظار برای خرید یک واحد ۷۵ متری آپارتمان ارائه کرد که بر اساس آن، مدت انتظار دهک اول برای خانه دار شدن حدود ۱۷۸ سال و برای دهک های دوم و سوم به ترتیب به حدود ۱۰۹ و ۷۹ سال رسیده است."

و به گفته رسول جهانگیری رئیس اتحادیه مشاوران املاک اصفهان:

" یک زوج کارمند که حقوق آنها حتی به ۱۰ میلیون تومان هم نمی رسد، اگر در سال هیچ هزینه ای نکنند، شاید بیشتر از ۴۰ سال طول بکشد که خانه دار شوند، البته با توجه به اینکه تا ۲۰ سال آینده قیمت مسکن در کشور ثابت نمی ماند، پولی که توسط آنها ذخیره و پس انداز شده در پایان سال با تورم از بین می رود."

این در حالی است که بانک های ملت، صادرات و تجارت و چند بانک دیگر جزو بزرگ ترین مالکان زمین و ساختمان و خانه های خالی هستند، بنابر گزارش روزنامه فرهیختگان «اطلاعات ارائه شده ۱۸ بانک بورسی نشان می دهد که در پایان سال ۱۳۹۹ تقریباً ۴ درصد از دارایی ۱۸ بانک به ارزش ۱۲۱ هزار میلیارد تومان به بخش املاک و مستغلات اختصاص دارد.»

داشتن مسکن مناسب حق هر انسانی است .

جمهوری فدراتیو شورایی
ایجاد مسکن مناسب مدرن
و مجهز برای کلیه
شهروندان را هدف فوری
خود قرار می دهد و با قطع
سلطه سرمایه داران ،
محتکرین و دلالتان از امور
مسکن و کار و زندگی مردم
، امکان دسترسی همه
شهروندان به مسکن
مناسب را تضمین می کند .

کمیته تبلیغات و انتشارات فدائیان کمونیست
<https://fedayi.org/>



تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمان آلمان در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱

حزب را به تنهایی میسر نخواهد کرد. این امر را ما در طی سالهای گذشته بدون استثناء در تمامی کشورهای اروپای غربی که از سالها قبل با شکست احزاب بزرگ هم‌رنگ و همراه حزب دمکرات مسیحی ها و سوسیال دمکراتها در این کشورها بوده، شاهدیم. یکی از دلایلی که چرا شکست سیاسی این دو حزب در آلمان نسبت به دیگر کشورهای غرب اروپا، دهها سال دیرتر آغاز شده است را میتوان به جنگ سرد و همه گیر این دو حزب نسبت به احزاب دیگر موجود در آلمان رقم زد که مواردی از آن را در اوایل امسال در کار کمونیستی شماره ۱۸۷ و در بهمن ماه ۱۳۹۹ در سایت سازمان برشمردیم.

با توجه با موارد بالا و نبود امکان عینی ائتلاف دو حزب یاد شده، در حال حاضر گفتگوها و مذاکرات سه حزبی آغاز شده است. بهمین خاطر هم اکنون بحث بر سر ائتلاف سوسیال دمکراتها، حزب سبزها و حزب لیبرالها بیشتر از هر ائتلاف دیگری دور میزند، آلترناتیوی که بوی آن از هر ائتلاف دیگری بالاتر است. حزب سبزها که انتظار کسب آراء بیشتری را در این دوره داشتند، اینبار بنابه ناخوشندی این حزب، فقط ۱۵ درصد آراء را بدست آوردند و حزب لیبرالها با کسب آراء ۱۱،۵ درصد به پای گفتگوهای ائتلافی با حزب سبزها و سوسیال دمکراتها رفته اند.

های مناسب و تضادهای درونی این حزب را شامل میشود.

حزب سوسیال دمکراتها نیز که در اوایل سال ۲۰۰۰ ارقامی چون ۳۸ درصد آراء را به خود تعلق داشت، اینبار بعد از لرزشهای سیاسی که در اوایل ۲۰۲۰ برای این حزب آغاز شد و تخمین رقم آرائی چون ۱۵ درصد را تا ماه جولای ۲۰۲۱ برای این حزب رقم میزد، توانست در انتخابات این دوره، ۲۶ درصد از آراء را نصیب خود کند و تا حدودی خود را از معرکه شکست نجات دهد و هم اکنون بوی صدراعظمی را با ائتلاف با حزب سبزها و حزب لیبرالها به مشام بکشد. امری که بسیار مورد یقین است.

اینکه تا چه دوره ای و تا چه زمانی حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها از این شکست سیاسی نفسی تازه کند و تجدید قوا نماید، امری ست که زیاد موجب خوشایندگی برای این حزب نیست، چرا که دوران تک حزبی و تک حکومتی و دهها سال اکثریت آراء را بدست آوردن از طرف این حزب و همچنین برای حزب سوسیال دمکراتها بعد از ۷۶ سال از پایان جنگ جهانی دوم بسر آمده و کاملاً قابل مشهود است که ۲ حزب بزرگ سابق، دیگر حتی با ائتلاف با یکدیگر در دوره های آینده قادر به تشکیل دولت نخواهند بود. شرایط جامعه، تغییر تحولات احزاب و مسائل داخلی و خارجی آلمان دیگر به قدرت رسیدن این دو

نتایج انتخابات پارلمان آلمان در روز یکشنبه ۲۶ سپتامبر که موجب شکست حزب محافظه کار حاکم یعنی حزب دمکرات مسیحی ها شد، از یک سال پیش قابل پیش بینی بود. در تحلیل هایی که ما در دی ماه ۱۳۹۹ (در کار کمونیستی شماره ۱۸۷) و در بهمن ۱۳۹۹ در سایت سازمان، (بخش اول - بخش دوم) هشت ماه قبل از این انتخابات آوردیم دلایلی که شکست این حزب را عامل خواهند شد، برشمردیم. حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها که به رهبری آنجلا مرکل ۱۶ سال بی وقفه صدراعظمی کشور آلمان را بعهده داشت، اینبار شکستی را بدوش میکشد که در تاریخ تاسیس این حزب و از سال ۱۹۴۷ تاکنون چنین شکستی را بر خود ندیده است. این حزب که در دهه نود میلادی و در دوره های انتخابات پارلمانی آن دوره ها ارقامی چون ۴۶ درصد آراء را کسب میکرد، اینبار برای اولین بار میلیونها رأی را از دست داد و در ۲۶ سپتامبر امسال، تنها رقم ۲۴ درصد آراء را بدست آورد. این حزب در مقایسه با دوران انتخابات ۴ سال پیش در سال ۲۰۱۷ در فاصله ۴ سال، ۱۱ درصد از آراء را از دست داده است. در صدی که براحتی دیگر قابل بدست آوردن برای این حزب نخواهد بود. درصد آرائی که بحران کم سابقه ای را در این حزب بوجود آورده است. این بحران مشمول برنامه این حزب، نبود شخصیت

موضوعات و مباحثات مبارزاتی

انتخابات این دوره بر سر چه بود؟

مسائل، مباحث و مبارزات انتخاباتی احزاب حاکم و اپوزیسیون در این دوره انتخابات، بخصوص در طی چند ماه اخیر، خصوصاً بر سر مسائل داخلی آلمان دور میزد. از جمله مباحث: بیمه های اجتماعی، مسئله محیط زیست و پائین آوردن درصد دی اکسید کربن تا سال ۲۰۳۰، بالا بردن مالیات بر درآمدهای هنگفت میلیونی و پائین آوردن مالیات بر درآمدهای طیف متوسط و پائین جامعه که درآمد پائینی در دست دارند، مسئله کمبود مسکن، پائین آوردن سقف تولید وسائل خودرو بنزینی و توقف تولید این خودروها تا سال ۲۰۳۸-۲۰۳۰ و جایگزینی این خودروها به خودروهای برقی، توقف مقروض شدن هر چه بیشتر دولت به بانکها (دولت آلمان تاکنون (تا تاریخ اکتبر ۲۰۲۱) بیش از ۲،۵ بلیون اورو مقروض به بانکهاست)، افزایش گرفتن وام از بانکها از طرف دولت برای مخارج صرف مقابله با بحران محیط زیست و مسئله افزایش حقوق پرسنل بخش خدمات بهداشت و درمان، مسائل مبارزات انتخاباتی بود که احزاب آلمان را در تبلیغات و مناظره های مختلف به خود مشغول کرده بود. در مسائل بین المللی هیچکدام از احزاب موجود با وجود اینکه مسائل مغرنج و حل نشدنی بین المللی گریبانگیر سیاستهای آلمان بوده است اما در دوره انتخاباتی کنونی هیچکدام از احزاب در حال حاضر به پای این مباحث حل نشده نرفتند. مسائل داخلی آلمان وزنه سنگین و نقش مهمی در چگونگی روند آراء و نتایج انتخابات ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱ در خود نهفته بود. همچنین

اختلافات درونی حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها و حزب برادر(خواهر) این حزب یعنی حزب اتحاد اجتماعی مسیحی بر سر اتوریته بودن سران این حزب و نبود شخص یا اشخاصی که برش سیاسی را بر چهره خود داشته باشند و نبود جایگزین مناسب برای آنجلا مرکل، همچنین عواملی بودند که شکست این حزب محافظه کار را بدنبال داشت.

در این دوره انتخابات از ۶۰ میلیون جمعیت آلمان که دارای حق رأی بودند فقط ۷۶ درصد از این جمعیت که حق رأی داشتند به پای صندوقهای رأی رفتند و ۲۴ درصد جمعیت آلمان که دارای حق رأی بودند همچون دوره های پیشین انتخابات، به پای صندوقهای رأی نرفتند.

همچنین که در ابتدا اشاره شد، حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها در این دوره میزان ۲۴ درصد آراء را نصیب خود کرد، حزب سوسیال دمکرات ۲۶ درصد آراء را بدست آورد، حزب سبزها ۱۵ درصد، لیبرالها ۱۱،۵ درصد، حزب چپها ۵ درصد و حزب راسیستی دست راستها "آلترناتیو برای آلمان" ۱۰،۴ درصد آراء را بدست آوردند. در این مقایسه مختصر آراء مشاهده میکنیم که حزب سوسیال دمکرات با کسب آراء ۲۶ درصد، با معرفی کاندیدای خود برای صدراعظمی آلمان، اولاف شولتس را برای گرفتن قدرت به جلو هدایت میکند. در واقع اگر مقایسه دیگری را بررسی کنیم می بینیم که ۷۴ درصد از جمعیت رأی دهنده که به پای صندوقهای رأی رفتند به سوسیال دمکراتها و کاندید این حزب هولاف شولتس رأی نداده اند.

اولاف شولتس کیست؟

اولاف شولتس که در حال حاضر هنوز وزارت مالیات و دارایی را از سال ۲۰۱۷ در دولت آنجلا مرکل بعهده دارد، قبل از وزیر شدن در دولت مرکل، ریاست دولت ایالت هامبورگ را بعهده داشت. پروژه های پرستیژی و میلیونی در شهر و منطقه هامبورگ چه تأسیس ساختمان فیلارمونیک که صدها میلیون اورو را هزینه برد و چه رابطه های بده بستانهای وی و روابط حسنه با بانکهای مختلف و ورشکستگی این بانکها، اجحافات و رشوه خواری این بانکها که بخصوص مدیران این بانکها، رابطه های خوشایندی با اولاف شولتس داشتند، تاریخچه درخشانی را برای وی تا سال ۲۰۱۷ بجای نگذاشته است. همچنین نشست سران جی۷ در ماه مه ۲۰۱۷ و حضور ترامپ در هامبورگ و مهمانوازی اولاف شولتس بعنوان سیاستمدار بالامقام، موجب شورشها و اعتراضات خیابانی چند روزه مردم در هامبورگ شد که در طی این اعتراضات خیابانی وسیع مردم که بر علیه برگزاری این نشست شکل گرفته بود، هزاران نفر از معترضین با دستور اولاف شولتس و با حمله پلیس زخمی شدند و تعداد وسیعی از تظاهرکننده ها دستگیر و به دادگاه کشیده شدند. بعد از نامگذاری وی بعنوان وزیر مالیات و دارایی در سال ۲۰۱۷ در دولت مرکل، مدت بیش از دو سال است که صحبت از رابطه های حل نشده مابین وزارت مالیات و دارایی و شرکتهای بیمه و چندین بانک بر زبان است. طی ماههای گذشته بخشهای مختلفی از وزارتخانه وی توسط دادگستری آلمان در اوایل ماه سپتامبر امسال مورد تجسس و بازرسی قرار

تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمان آلمان در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱

گرفت چرا که در دورهٔ وزیر وی پیمانها و قراردادهایی مابین این وزارتخانه با شرکتهای بانکی و بانکهای خصوصی صورت گرفته که بنابه افشا و رو شدن این قراردادها و روابط این بانکها نه تنها این شرکتهای ازدادن مالیات معاف بوده اند بلکه آنها حتی از ادارهٔ مالیات میلیونها یورو مبالغ هنگفتی پس گرفته اند بدون اینکه مالیاتی پرداخت کرده باشند. در حال حاضر این چنین پیش میرود که تمامی تاریخچهٔ سیاسی اولاف شولتس به فراموشی سپرده شود چرا که جبههٔ مقابل، حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها، خود درگیر اجحافات و رشوه خواری های گوناگون مالی در وزارتخانه های مختلف است.

در این دورهٔ انتخابات پارلمان آلمان لازم است یادآوری شود که چگونه و برای چه احزایی رأی دهنده ها، رأی های خود را به صندوقهای رأی انداخته اند:

در این دورهٔ انتخابات ۱۴۰۰۰۰۰ از رأی دهنده گان حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها که همیشه به این حزب رأی میدادند، اینبار به حزب سوسیال دمکراتها رأی دادند.

همچنین ۸۳۰۰۰۰ نفر رأی دهنده گان حزب محافظه کار در دوره های قبل، اینبار به حزب سبزها رأی دادند.

در بررسی چگونگی آراء در این دوره مشاهده میکنیم که بیشتر افراد بالاتر از ۵۰ سال به دو حزب قدیمی سوسیال دمکراتها و حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها رأی داده اند و ۵۸ درصد افراد بالاتر از ۷۰ سال نیز به این دو حزب قدیمی رأی دادند و

انتخابات ۴،۳ درصد از آراء را به میزان بیش از یک میلیون آراء را از دست داد. صدها هزار از افرادی که در انتخابات دوره های قبل به حزب چپها رأی میدادند، اینبار با رأی تاکتیک وار، برای اینکه حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها دوباره به قدرت نرسد، به حزب سوسیال دمکراتها و حزب سبزها رأی دادند.

۶۴۰۰۰۰ از رأی دهنده گانی که قبلا به حزب چپها رأی میدادند در این دوره به حزب سوسیال دمکراتها رأی دادند. ۴۸۰۰۰۰ رأی دهنده گان سابق حزب چپها این بار رأی خود را به نفع حزب سبزها به صندوقهای رأی واریز کردند و ۹۰۰۰۰ رأی دهنده گان سابق این حزب به حزب دست راستی "آلترناتیو برای آلمان" رأی دادند.

حزب دست راستی و راسیست "آلترناتیو برای آلمان" با توجه به اینکه از گوشه و کنار مناطق مختلف آلمان بخصوص در مناطق حومه ها و حاشیه های دور افتاده از شهرهای بزرگ، رقم آراء بدست آمده را برای حزب خود افزایش داد اما در مجموع به میزان بیش از ۲ در صد از آراء را نسبت به دورهٔ قبل از دست داد.

از هفته ها قبل از انتخابات از طرف رسانه های عمومی و بخصوص از طرف حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها تبلیغات ضد سوسیالیستی، ضد حزب چپ در دستور کار این حزب محافظه کار قرار گرفته بود و رسانه ها در کل صحبت از مبارزات انتخاباتی سه حزب سوسیال دمکراتها، حزب محافظه کار دمکرات مسیحی ها و حزب سبزها میکردند.

نیروهای مترقی و احزاب و سازمانهای سیاسی چپ همچون حزب چپ آلمان که

جوانها به حزب سبزها و لیبرالها رأی خود را به صندوقها انداخته اند.

جمع کل جوانان رأی دهنده زیر ۲۵ سال، ۹ درصد کل رأی دهنده ها را در این دوره در جامعه آلمان به خود تعلق داشت. ۲۳ درصد از این ۹ در صد رأی دهنده گان زیر ۲۵ سال به حزب سبزها، ۲۱ در صد از این ۹ درصد به حزب لیبرالها و ۱۵ درصد از این ۹ درصد به حزب سوسیال دمکراتها رأی دادند.

جوانانی که پا به سن ۱۸ سالگی گذاشتند و دارای حق رأی شده اند ۳ درصد جامعه را به خود تعلق دارند که ۲۵۰۰۰۰۰ نفر را شامل میشوند که ۳۰ درصد از این بخش جامعه به حزب سبزها و ۳۰ درصد به حزب لیبرالها رأی دادند.

درصد جمعیت جوانان در آلمان که حق رأی دارند بسیار پائین است. بهمین خاطر جمعیت جوان زیر ۳۰ سال که فقط ۱۶ درصد جامعه آلمان را شکل داده اند، قدرت تأثیر، تغییر و تحولات سیاسی را در جامعه آلمان ندارند. پروسه ای که دهها سال طول خواهد کشید تا تأثیرات سیاسی دگرگونه واری را به ثبت برساند.

بیش از یک میلیون آراء حزب چپها روانهٔ حزب سوسیال دمکراتها و حزب سبزها شد:

حزب چپها توانست در آخرین ساعات شمارش آراء در روز انتخابات ۲۶ سپتامبر رقم ۵ درصد آراء را بدست آورد و با ۳۹ نفر از نماینده گان خود پا به پارلمان آلمان بگذارد. حزب چپ آلمان نسبت به دورهٔ قبل

از برنامه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

جامعه کمونیستی جامعه ایست که در آن مالکیت بر وسایل تولید و مبادله، به کل جامعه بشری تعلق داشته باشد، جامعه ای که در آن از کار مزدی اثری نباشد و نه کار و نه ارزش کار به عنوان کالا قابل فروش و معاوضه نباشد، جامعه ای که در آن طبقه و حکومت و دستگاه های عریض و طویل بوروکراتیک محو شده باشند، جامعه ای که در آن افراد از آزادی کامل برخوردار باشند و کلیه قیود حقوقی، سنتی، اجتماعی، اقتصادی، جنسی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و ... که در بهره گیری انسانها از زندگیشان محدودیت ایجاد می کند، برچیده شده باشند، جامعه ای که در آن هرگونه جدایی انسان از ارزش تولید شده توسط کار وی یا جدایی تولید کنندگان از برنامه ریزی و اداره امور اجتماعی از میان رفته باشد. اصل از هر کس بنا بر استعدادش و به هر کس به اندازه نیازش تحقق یافته باشد. جامعه ای که آزادی و شکوفایی فرد ضامن آزادی و شکوفایی جمع است.

تنها در چنین جامعه ای است که علم و تکنولوژی بطور کامل در خدمت رفع نیازهای بشری در خواهد آمد، تنها در چنین جامعه ای است که توانایی های بالقوه و خلاقیت ها و ابتکارات می توانند آزادانه و بدون از قیود مادی و اجتماعی شکوفا شوند، تنها در چنین جامعه ای است که دستاوردهای علمی و فرهنگی بطور کامل و آزاد در اختیار قرار می گیرد.

سوسیالیسم علمی با تمام دستگاه های فکری ارتجاعی که به بهانه مبارزه با مناسبات سرمایه داری تلاش می کنند مجدداً حلقه اخلاقیات، معنویات و قیود فرهنگی و مذهبی دوران عهد عتیق را به پای بشریت زنجیر کنند، فاصله دارد. به این اعتبار که سوسیالیسم علمی از رشد جامعه، پیشرفت مناسبات اجتماعی و تقسیم کار عمومی - که به شکل گیری درکها و تلقیهای مختلفی از مفهوم زندگی منجر شده است - چنین نتیجه می گیرد که انسانهای مختلف بر اساس شرایط عینی و ذهنی مختلفی که در آن بسر می برند، برای زندگی خود اهداف مختلفی را متصور می شوند. جامعه باید گنجایش و ظرفیت پذیرفتن همه این گونه گونیها را داشته باشد و متضمن آزادی بی قید و شرط همه افراد برای انتخاب شیوه زندگی باشد.

نیروهای مترقی و احزاب و سازمانهای سیاسی چپ همچون حزب چپ آلمان که منتقد جامعه سرمایه داری آلمان هستند، انتقاد به سیاستهای داخلی و خارجی دولت آلمان دارند، اینبار نیز نتوانستند آراء خیلی از جامعه آلمان را که ناراضی اوضاع داخلی آلمان و معترض به سیاستهای خارجی دولت آلمان هستند به خود جلب کنند. سالهاست که شاهد آن هستیم که این نیروها زبان سیاسی مناسب را با خیلی از مردم آلمان بخصوص نسبت به طیف جوان ندارند. این اشکال در این نیروها دیده میشود که در گفتگوهای خیابانی، در مبارزات سیاسی، در نشست و برخاستهای اجتماعی و در مبارزات انتخاباتی، قادر نبوده اند، بخصوص طیف جوان را به برنامه های سیاسی و اجتماعی و صف خود جذب کنند. چگونگی زبان سیاسی و شکل برخورد با نسل جدید، چگونگی مبارزه برای تحقق خواستههای طبقه کارگر و طیف پائین و طیف متوسط جامعه، نکاتی است که نیروی چپ در این راه نتوانسته است آراء چشمگیری را بدست آورد. حزب چپ آلمان با توجه به اینکه این اشتباهات برشمرده را از چند سال گذشته، پیش روی خود داشته اما برنامه های مبارزه خود را و تصحیحات اشتباهات گذشته را نتوانسته است تاکنون برطرف کند. امری که در حال حاضر مباحث رو در روی این حزب شده است.

تهیه و تنظیم گزارش از بخش بین الملل سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

هفتم اکتبر ۲۰۲۱

پرسی و پاسخ درباره کنگره هفتم سازمان و مصوبات آن

ادامه از صفحه ۵

هستیم ولی از قدم گذاشتن در این راه هم هراسی بدل راه نمیدهیم .

با این توصیف می توانم بگویم این کمیسیون در واقع کارش مطالعه شرایط تغییر یافته و پژوهش و تحقیق درباره ساختار اقتصادی اجتماعی صف بندی طبقات، تحولات سیاسی در سطح ایران، منطقه و جهان وارائه پیشنهادات برای بروز رسانی مواضع، سازمان و نیز امر پیشبرد برنامه آموزشی را پی خواهد گرفت و اینکه در این راه تاچه حد موفقیت حاصل شود بسته به توان و ظرفیت ما و این کمیسیون دارد مهم این است که با اتکا بنفس و با برنامه ریزی علمی و مشارکت دادن افراد صاحب نظر این پروژه کلید زده شود.

نشریه کار: متاسفانه بدلیل حجم مطالب این شماره فرصت نیست درباره مسائل دیگر از جمله مباحث کنگره در باره اتحاد ها و نیز دعوت از نمایندگان احزاب و سازمان های دیگر برای شور و مشورت در جلسات جنب کنگره هفتم سازمان به گفتگو باشما ادامه دهیم اما به خوانندگان نشریه قول میدهیم که به این گفتگوها جهت تشریح مصوبات کنگره ادامه دهیم .
با تشکر از شما که در این مصاحبه شرکت کردید.

شرایط را هم ثابت فرض میکنند. اگر با مقداری اکراه این نوع نگرش را سوسیالیسم تخیلی بنامیم متاسفانه این روش تفکر نزد فعالین سیاسی در کشورهای استبداد زده ای نظیر کشور ما بسیار سخت جان به حیات خود ادامه میدهد. ما این روش تفکر را بسیار زیان آور برای جنبش کارگری و کمونیستی می دانیم و آنرا نقد نموده با آن مبارزه میکنیم. مصوبه مورد اشاره شما "کمیسیون مطالعه و پژوهش" در واقع امر جنبه عملی دادن به این تفکر انتقادی در سازمان ما است که با به کارگیری اسلوبی صحیح و علمی و انتقادی به اشتباهات و کمبودها و ضعف های نظری و عملی خود آگاه شود و مدام مشی و سیاست خود را تصحیح کند و نیز تصویب

این سند نشان می دهد که سازمان فدائیان کمونیست با دید دگماتیستی و تخیلی در افکار و اندیشه های تک تک اعضای اش مرزبندی دارد . در این رابطه این کمیسیون وظیفه بزرگی برعهده دارد و صد البته ادعا نمیکنیم که در حد و اندازه خود قادر به پاسخگوئی کامل در این زمینه

مشهور است. ببینید ما یک سری اصول برنامه ای داریم که اینها اصول اعتقادی ما هستند. مثل سرنگونی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم و مشابه اینها که تغییر ناپذیر هستند و مبانی نظری و اهداف نهائی ما را تشکیل می دهند اما برخی جنبه های استراتژی و بطور کلی تاکتیک ها، شعارهای تبلیغی و ترویجی امور تشکیلاتی و اشکال مختلف سازماندهی و تشکیلات و مبارزه تابع شرایط تحلیل مشخص از شرایط مشخص هستند با تغییر و تحول در جامعه و توازن قوای طبقاتی و تحولات در صحنه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و تحولات بین المللی بازبینی می شوند و تغییر میابند و خود را با شرایط تغییر یافته وفق میدهند بدون در نظر گرفتن این تحولات و کار بست آن در عرصه های مختلف مبارزه، سازمان و یا حزب مزبور به فرقه ای در خود تبدیل خواهد شد همچون فرقه های دیگر که سالها حتی قرنها به حیات خود ادامه می دهند که ربطی به مبارزات جاری ندارند و اغلب این سازمان ها با شعارها و باورهای تخیلی خود روزگار می گزرانند و طبیعتا تحقق اهدافشان را هم به صحرای محشر حواله میدهند گوئی آنچه می گویند وحی منزل است و ازلی و ابدی و برای اثبات صحت آن اغلب تخیلات خود را بجای واقعیت موجود می نشانند تا ثابت کنند که آنطور هم که می گویند خیال پرداز نیستند بلکه گفتارشان مبتنی بر تحلیل مشخص از شرایط معین است!!

روابط عمومی
webmaster@fedayi.org
کمیته کردستان
Kurdistan@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azer@fedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karj@fedayi.org

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت
سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر
می شود .
.....
از طریق ایمیل آدرس زیر
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان
بگذارید .
kar@fedayi.org